

میزان

نشریه علمی تخصصی انجمن علمی
دانشجویی فقه و مبانی حقوق

پیاپی ۱۴ شماره ۱
قیمت ۵۰۰ تومان

کلام مطهر

شیعه پاسخ می دهد

مصاحبه

آوای قلب ها

دور دنیا در یک صفحه

لکه ننگ

بدانیم تا بدانیم

بنسبده طاهر

آزمون سر دفتری



قرآن در بیوند انسان با خدا زیباترین بیاناتها را
آورده است، خدای قرآن بر خلاف خدای فلاسفه
یک موجود خشک و بی روح و بیگانه با بشر نیست؛
خدای قرآن از رگ انسان به انسان نزدیکتر است.

شهید مطهری

میزان

نشریه علمی تخصصی انجمن علمی
دانشجویی فقه و مبانی حقوق

شماره ۳

پیاپی ۳ شماره ۳

فهرست

- ۲ سخن سردبیر
- ۳ کلام مطهر
- ۴ شیعه پاسخ می دهد
- ۶ مصاحبه
- ۸ دور دنیا در یک صفحه
- ۹ پادزهر
- ۱۰ لکه ننگ
- ۱۱ آموزگار عشق ...
- ۱۴ خلوت عاشقان
- ۱۶ بدانیم تا بدانیم
- ۱۹ بنده ظاهر
- ۲۰ آزمون سر دفتری



صفحه آرایی و طراحی جلد:

گروه طراحی و چاپ آریسان
graphic.banafshe@gmail.com

پاسپاس از کارشناس نشریات:

سرکار خانم زهرا وزیری

تلفن و ایمیل مجله:

n_khalili5@yahoo.com

چاپ و صحافی: دامون

نشانی: تهران، میدان ونک، ده ونک،

دانشگاه الزهرا(س)،

ساختمان معاونت فرهنگی-اجتماعی،

اتاق نشریات

مدیر مسئول: نوشین خلیلی

سردبیر: حوریه نادمی

استاد راهنما: دکتر زهرا میر

هاشمی

هیئت تحریریه: نوشین خلیلی

، حوریه نادمی، مریم جهدی،

میترا فرجی، مهسا ذبیحی،

حدیث علیعی، مهدیه گمینی،

سحر کرباسی، معصومه جلالیان

سخن پرداز

با یاد معلم شهید، استاد مرتضی مطهری
روز معلم را گرامی می‌داریم

حوریه نادمی



پیامبر اعظم فرموده‌اند: مثل عالمان و معلمان در زمین، مثل ستارگان در آسمان است که مردم در تاریکی‌های خشکی و دریا، به کمک آنان راه خود را پیدا می‌کنند و هرگاه این ستارگان خاموش شوند، بسا راه یافتگان نیز گمراه شوند.

زندگی راه‌هایی برای رسیدن به مقصد دارد و هر راهی رهگذری دارد و هر رهگذری برای طی کردن این راه نیاز به یک راهنما دارد و راهنمای هر انسان می‌تواند معلم-استاد-پدر-مادریا هرکس دیگری باشد. معلمی وظیفه‌ای بس گرانبگذر و ارزشمند در اسلام است. اولین معلّم، خداوند متعال است که فرمود: الرحمن، علم القرآن... خداوند رحمان قرآن را آموخت... دومین معلم، پیامبر اکرم (ص) است که خود فرمود: من معلم برانگیخته شده‌ام و ائمه اطهار و بزرگان دین نیز هر یک معلمانی برجسته و راهنمایانی بس شایسته بوده‌اند. آیات قرآن کریم مهم‌ترین ویژگی انبیاء الهی را تعلیم مردم بیان کرده و آن گرامیان را به عنوان معلمان بشر می‌شناساند و می‌فرماید: «لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولاً من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (ال عمران-۱۶۴)

در عظمت منزلت و مقام معلم همین کافی است که بزرگ‌ترین معلم جهان بشریت حضرت رسول خاتم (ص) به این ویژگی خود افتخار می‌کرد. معلمی از خصوصیات انبیا و از صفات محبوب آنان می‌باشد. در مقام پاسداشت از تلاش‌های معلمان سخنی بالاتر و زیباتر از کلام مولای متقیان، حضرت علی (ع) نمی‌توان یافت که فرمود: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً» (جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۱۲) کسی که به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده خود کرده است. حضرت امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: هنگامی که روز قیامت شود، خداوند تمام انسان‌ها را جمع می‌کند و چون ترازوی اعمال نهاده شد و خون شهیدان را با مرکب قلم عالمان و معلمان بسنجند، ارزش مرکب آنان بر خون شهیدان فزونی خواهد داشت. این ارزش بدان جهت است که شهیدان در سایه علم و تربیت

معلمان و تعلیم شایسته آنان به خدا راه یافته و لیاقت شهادت نصیبشان شده است.

معلم در کلام استاد مطهری: معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش دهد و او را به سوی استقلال رهنمون کند. باید قوه ابتکار او را زنده کند؛ یعنی در واقع، کار معلم آتش‌گیره دادن است. فرق است میان تنوری که شما بخواهید آتش از بیرون بیاورید و در آن بریزید تا آن را داغ کنید و تنوری که در آن هیزم و چوب جمع است و شما فقط آتش‌گیره از خارج می‌آورید و آن قدر زیر این چوب‌ها و هیزم‌ها قرار می‌دهید که اینها کم‌کم مشتعل شود. بنابراین امیدوارم همگی ما بتوانیم، تمام زحماتی که معلمان و اساتیدمان در حقیقت کردند را به بهترین شکل ممکن جبران کنیم به قول نیچه: بدترین پاداش یک استاد این است که دانشجویانش تا ابد شاگرد وی باقی بمانند. البته به نظر من اگر ما دانشجویان اساتید را به زحمت نیندازیم خیلی هنر کردیم و حداقل کاری که می‌توانیم انجام دهیم و در توان همه‌ی ما هست این است که سر کلاس آرام باشیم و سخنان استاد را به دقت گوش کنیم و برای درک و فهم بهتر مطالبی که اساتید بیان می‌کنند و ما در فهم آنها مشکل داریم یک راه خیلی ساده خوب گوش دادن است. اغلب ما یکی از اشتباهات زیر را در کار گوش دادن مرتکب می‌شویم:

۱. پرت شدن حواس ۲. تظاهر به گوش دادن ۳. گوش دادن گسسته ۴. توجه به کلمه ۵. گوش دادن خود محورانه
برای گوش دادن اصیل یا همان خوب گوش دادن باید این ۳ اقدام را انجام بدهیم:

۱. با چشمان، دل و گوش هایتان گوش بدهید.
۲. خودتان را به جای آنها قرار دهید.
۳. مثل یک آینه باشید. (آینه چکار می‌کند؟ قضاوت نمی‌کند. توصیه نمی‌کند.... بجای اینها حرف طرف مقابل را با کلمات و احساسات خود به شکلی تکرار کنید البته نه مثل طوطی).

امیدوارم مطالبی که گفته شد در عمل بدردتان بخورد.



کلام

○ خود باختگی

نوشین خلیلی - فقه و مبانی حقوق اسلامی

اصل ((خود باختگی)) یک تعبیر قرآنی است : خسران نفس، خودباختن . خود باختگی حالتی است روحی در انسان که واقعاً انسان حالتی پیدا می کند که خودش خودش را باز می دارد؛ یعنی تمام قوا، نیرو ها و استعدادهایی که دارد، وضعی پیدا می کند که گویی چیزی ندارد. اگر یک بیمار در بیماری خود، خودش را ببازد، معتقد شود که مرضش خیلی خطرناک است و دیگر معالجات برای او سودی ندارد - ولو آن بیماری بیماری مهلکی نباشد - این بیمار بعید است خوب شود؛ چون خوش معتقد شده که من خوب نمی شوم، من می میرم . اگر این فکر در یک بیمار پیدا شود که من می میرم، من خوب شدنی نیستم، این دوا ها را ببخود به من می دهید، این آمپول ها ببخود به من می زنید، به هر

نسبت که معتقد باشد که می میرد احتمال شفا در او ضعیف تر است.

این را می گویند خود باختگی، از دست دادن خود، از دست دادن روحیه و از دست دادن اعتماد و ایمان به خود؛ نقطه مقابل آن، ایمان و اعتقاد به خود پیدا کردن است.

این مطلب در جامعه ها هم هست . گاهی یک جامعه در مقابل جامعه دیگر خودش را می باززد، خود باخته می شود، مستسب می شود . گاهی یک جامعه، جامعه دیگر را از روی نیرنگ و زرنگی با عواملی که دارد خود باخته می کند . نیرنگ بزرگ با کشور های استعمار زده و مستعمر همین است . کوشش می کند که کشور استعمار زده ((اعتماد)) و ایمان به خودش و ایمان به حیثیت خودش را از دست بدهد، به فرهنگ خود، دین خود، ملیت خود، کتاب های خود، پیشوایان خود، به تاریخ گذشته خود و به چیزی که دارد بی اعتقاد شود. کاری می کند که این ملت، ((بدی)) که از ناحیه استعمار بیاید بر ((خوبی)) که

از ناحیه خودش باشد ترجیح می دهد. مثلاً بسا هست خود آن ملت انواع آشامیدنی های خوب دارد که غرب ندارد و باید از آنجا بگیرد؛ ولی آشامیدنی هایی، نظیر پپسی کولا و کوکاکولا را که خودشان می گویند برای بدن مضر است و از هر پزشکی اگر پرسید تجویز نمی کند و مخصوصاً اعتیاد به این ها را مضر می داند - بر آشامیدنی های خود ترجیح می دهد. هر نوع از شربت های ایرانی [شربت ریواس، سکنجبین، به لیمو] به دلیل این که ایرانی است خوب نیست؛ ولی هر شرتی که از آنجا بیاید حتماً خوب است. این معنای خود باختگی ملی است؛ اگر ملتی خود باخته شد خودش و روحش را در مقابل ملت دیگر باخت دیگر به دنبال آن با کمال افتخار استعمار سیاسی و اقتصادی را می پذیرد؛ یعنی سرمایه های مادی خودش را دو دستی به او تقدیم می کند و برای خودش هم افتخار می شمارد، نوکری بیگانه را با افتخار می پذیرد، چرا؟ بزرگترین هدیه ای که یک رهبر به ملتش می تواند بدهد ((ایمان به خود)) است؛ یعنی آن ملت را به خودش ((مومن)) کند. [این کار از خود باختگی جلوگیری می کند.]

شیعیان خمینی آمد

○ طرح مسأله

میترا فرجی - هیات و معارف اسلامی
فقه و مبانی حقوق اسلامی

نماز مهمترین رابطه خلق با خالق، عالی ترین برنامه تربیت، وسیله تهذیب نفوس و خودسازی، ناهمی از فحشا و منکر و سبب قرب الی الله است، و نماز با جماعت سبب قوت و قدرت مسلمین و وحدت صفوف آنها و سرزندگی و بالندگی جامعه اسلامی است. نماز به طور اصولی در هر شبانه روز پنج بار انجام می شود، و قلب و روح انسان به طور مداوم در این چشمه زلال شستشو می گردد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله نماز را مایه روشنی چشم خود می دانست و «قره عینی فی الصلاه» میفرمود آن را معراج مؤمن میشمرد و ندای «الصلوه معراج المؤمن» سر می داد، و آن را وسیله تقرب پرهیزگاران به خدا معرفی می کرد «الصلوه قربان کل تقی» در این جا سخن در این است که آیا جدا ساختن پنج نماز در پنج وقت یک حکم الزامی است که بدون آن نماز باطل است (مانند نماز قبل از وقت) یا می توان نماز را در سه وقت نیز انجام داد، (ظهر و عصر با هم و مغرب و عشا نیز با هم انجام گیرد). علمای تشیع به پیروی از مکتب اهل بیت علیهم السلام عموماً اتفاق نظر دارند که انجام نماز در سه وقت جایز است هر چند افضل و برتر انجام نماز در پنج وقت است.

ولی فقهای تسنن غالباً - جز عده کمی - انجام نماز را در پنج وقت واجب می شمردند، (تنها جمع میان نماز ظهر و عصر روز عرفه در عرفات، و مغرب و عشا شب عید قربان را در مشعر الحرام جایز می دانند، و بسیاری از آنان، در سفر یا در مواقع بارانی که آمد و رفت به مسجد برای نماز جماعت مشکل است نیز، جمع میان دو نماز را جایز شمرده اند).

از نظر فقهای شیعه - همان گونه که گفته شد - در عین تأکید بر فضیلت نماز در پنج وقت و جدا از هم مسأله ترخیص و اجازه در انجام نمازها در سه وقت یک عطیه الهی برای تسهیل در امر نماز و توسعه بر مردم محسوب می شود و آن را هم آهنگ با روح اسلام که «شریعت سمحه سهله» است، می دانند.

و تجربه نشان داده که تأکید بر نماز در پنج وقت، گاه سبب می شود که اصل نماز به فراموشی سپرده شود و گروهی از مردم نماز را ترک کنند.

آثار اصرار بر پنج وقت در جوامع اسلامی

چرا اسلام اجازه جمع میان نماز ظهر و عصر عرفه، و مغرب و عشا شب مشعر، را داده است؟ چرا بسیاری از فقهای اهل سنت جمع میان دو نماز را در سفر و در مطر (باران) طبق روایات نبوی مجاز شمرده اند؟ به یقین برای تسهیل بر امت است.

این تسهیل ایجاب می کند که در مشکلات دیگر نیز اجازه جمع داده شود، چه در گذشته چه در حال. زندگی مردم در عصر ما دگرگون شده و وضع بسیاری از کارگران در کارخانه ها، و کارمندان در ادارات، و محصلین و دانشجویان در کلاس های درس اجازه نماز در پنج وقت را نمی دهد، یعنی کار بر آنها بسیار مشکل و پیچیده می شود.

هر گاه طبق روایاتی که از پیغمبر اکرم صلی الله و علیه و اله نقل شده و ائمه شیعه علیهم السلام بر آن تأکید دارند، به

مردم اجازه داده شود که جمع میان دو نماز کنند گشایشی در کار آنها در امر نماز واقع می شود و نماز خوان فراوان خواهد شد. در غیر این صورت ترک نماز فراوان و تارک الصلوه رو به فزونی می رود و شاید به همین دلیل گفته می شود که بسیاری از جوانان اهل سنت نماز راترک گفته اند، در حالی که تارک الصلوه در میان پیروان تشیع کمتر است. حق این است که به مقتضای «بعثت الی الشریعه السمحه سهله» و به مقتضای روایات متعددی که از رسول خدا صلی الله علیه و اله نقل شده در عین تأکید بر فضیلت نماز در پنج وقت، آن نهم به جماعت، اجازه دهیم که مردم نمازهای خود را در سه وقت، حتی به صورت فرادی انجام دهند، تا مشکلات زندگی سبب ترک نماز نشود. اکنون به قرآن مجید و روایات رسول خدا صلی الله علیه و اله و مسأله را با بی طرفی و ترک تعصب مورد بررسی قرار می دهیم.

روایات جمع میان دو نماز

در منابع معروف مانند صحیح مسلم، بخاری، سنن ترمذی، موطا مالک، مسند احمد، سنن نسائی، مصنف عبد الرزاق و کتب دیگر، که همه از منابع مشهور و شناخته شده اهل سنت است، حدود سی روایت درباره جمع میان نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا بدون سفر و مطر (باران) و خوف ضرر نقل شده است. این روایات عمدتاً به پنج روای معروف بر می گردد:

ابن عباس

جابر بن عبدالله انصاری

ابو ایوب انصاری

عبدالله بن عمر

ابوهریره

به طور مثال:

۱) ابوالزیراز سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می کند: «صلى رسول الله صلى الله عليه و اله

الظهر والعصر جميعا بالمدينة في غير خوف ولا سفر؛ رسول خدا صلي الله عليه و اله نماز ظهر وعصر را هر دو با هم به جا آورد در حالي كه نه ترسي بود ونه سفري».

ابوالزبير مي گويد از سعيد بن جبير پرسيدم چرا پيامبر صلي الله عليه السلام چنين كاري را كرد؟

سعيد گفت: من نيز همين سوال را از ابن عباس پرسيدم، در جواب گفت: «اراد ان لا يجرح احدا من امته؛ مقصود حضرت اين بود كه هيچ يك از امتش به زحمت نيفتد.» (۲) مالك امام معروف اهل سنت در كتاب «موطا» از ابن عباس نقل مي كند: «صلي رسول الله صلي الله عليه واله الظهر والعصر جميعا والمغرب والعشاء جميعا في غير خوف ولا سفر؛ رسول خدا صلي الله عليه واله نماز ظهر وعصر را با هم و نماز مغرب وعشا را با هم بجا آورد، بي آن كه خوف (از دشمن) يا باران وجود داشته باشد.»

(۳) ابوهريه نيز مي گويد: «جمع رسول الله صلي الله عليه واله بين الصلوتين في المدينة من غير خوف؛ رسول خدا صلي الله عليه واله ميانه دو نماز در مدينه بدون ترس (از دشمن) جمع كرد.»

تقريبا در تمام احاديث ذكر شده كه در كتب معروف و منابع درجه اول اهل سنت نقل شده وسند آنها به جمعي از بزرگان صحابه مي رسد، روي دو نكته تاكيد شده است:

نخست اين كه رسول خدا صلي الله عليه واله جمع ميانه دو نماز را در حالي انجام داد كه مشكل خاصي مانند باران يا سفر، يا ترس از دشمن، وجود نداشت. ديگر اين كه هدف آن حضرت «توسعه بر امت» و «رفع عسر و حرج» بوده است.

قرآن واوقات سه گانه نماز !

از شگفتي هاي اين مساله آن است كه در قرآن مجيد در دو آيه هنگامي كه سخن از اوقات نماز به ميانه مي آيد، فقط سه وقت براي نمازهاي شبانه روز ذكر شده با اين حال تعجب است چرا گروهی از اين برادران اصرار در وجوب پنج وقت دارند.

فضيلت داشتن پنج وقت جاي انكار نيست. ما هم هر زمان توفيق رفيقمان رعايت پنج وقت را مي كنيم، سخن در وجوب آن است. آيه اول در سوره هود است: «واقم الصلاه طرفي النهار وزلفا من الليل؛ در دو طرفي روز وبخشي از شب نماز برپاي دار.....».

تعبير «طرفي النهار» اشاره به نماز صبح است كه در آغاز روز انجام مي شود و نماز ظهر وعصر است كه وقت آنها تا غروب ادامه دارد، به عبارت ديگر استمرار وقت نماز ظهر وعصر تا غروب آفتاب به روشني از اين آيه استفاده مي شود.

اما «زلفا من الليل» با توجه به اين كه «زلف» است كه به معنای بخشهايي از اوایل شب مي باشد، آن هم اشاره به وقت نماز مغرب وعشاست.

بنابر اين اگر پيامبر صلي الله عليه واله نماز را معمولا در پنج وقت انجام مي داده است حتما جنبه وقت فضيلت داشته كه همه ما به آن معتقديم، چرا ظاهر آيه قرآن را نادیده بگیريم وسراغ تاويلهاي ديگر برويم؟!

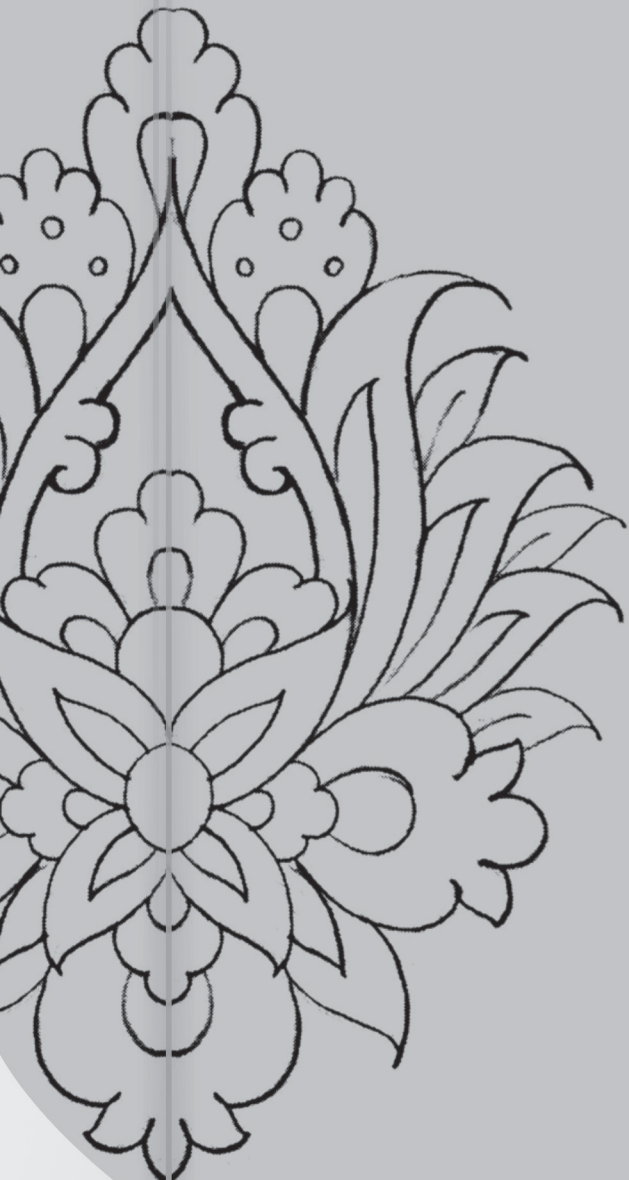
آيه دوم در سوره اسرا است: «اقم الصلاه لدلوك الشمس الي غسق الليل وقرآن الفجر كان مشهودا؛ نماز را از آغاز زوال ظهر تا تاريخي شب برپا دار همچنين قرآن فجر (نماز صبح) را.....».

«دلوك» به معنای تمايل شدن است و در اين جا اشاره به تمايل آفتاب از خط نصف النهار يعني زوال ظهر است.

غسق الليل به معنای تاريخي شب است كه بعضي آن را به اوایل شب تفسير کرده اند و بعضي به نصف شب، زيرا همان گونه كه «راغب» در «مفردات» گفته است «غسق» به معنای شدت تاريخي شب مي باشد كه همان نيمه شب است.

بنابر اين دلوك شمس اشاره به آغاز وقت نماز ظهر و غسق الليل اشاره به پايان و وقت نماز مغرب وعشاست و قرآن فجر نيز اشاره به نماز صبح است. و در هر صورت در آيه شريفه تنها سه وقت براي نمازهاي يوميه بيان شده است نه پنج وقت، و اين دليل بر جواز نماز در سه وقت است.

آيا با اين حال سزاوار است بعضي اشكال تراشي كنند و بگويند اين جمع ها مربوط به موارد اضطراري بوده است؟ چرا چشم خود را روي حقايق بنديدم و پيش داوري هاي خود را بر سخنان صريح رسول خدا صلي الله عليه واله مقدم بشمرم؟!





مصلحت

تحصیل و طلبه شدن به حوزه می آمدند از لحاظ اینکه رژیم ستمشاهی نسبت به روحانیت دید مثبت و خوبی نداشت سبب می شد این راه در عین حق بودن بسیار پرمسئولیت باشد و ازجان گذشتگی خاصی را می طلبید و این موضوع سبب یک فضای روحانی در حوزه می شد. طلبه ها استادان وهم شاگردی ها خود را مورد احترام قرارمی دادند به ویژه در محیط های مباحثی. درحوزه همیشه در کنار تحصیل علم، یاد دادن دروس وفایده رساندن به دیگران نیزوجود داشت که مصداق همین جمله است که زکات علم نشر آن می باشد؛ این موضوع سبب یادگیری بهترمطالب می شد که امیدوارم چنین فضایی در بین دانشجویان وجود داشته باشد.

● **به نظر شما دانشجویی که در رشته فقه تحصیل میکند چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟**

دانشجوی دانشکده الهیات و رشته فقه باید با دانشجویان دیگرمتفاوت باشد به لحاظ این که فقه ارتباط عمیق و نزدیکی با مباحث قرآن و حدیث دارد، واقعا قرآن و سنت هم درظاهرهم درمنش یک دانشجوی فقهی باید ظهور پیدا کند زیراهمراه بودن با احادیث محمد(ص) و آل محمد از نکاتی است که شامل حال همه نمی شود وبا توجه به این که به تعبیراساتید کتب بستان

● **لطفا خود را برای خوانندگان ما معرفی کنید؟**

محمد حسین عالی عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س) و مدیر گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی هستم. که ازسال ۶۷در دانشکده های مختلف دانشگاه تهران تدریس دروس مختلف معارف را برعهده داشتم. و از سال ۷۱ تا اکنون این توفیق به اینجانب دست داد که درجمع دانشجویان دانشگاه الزهرا تدریس کنم. ازابتدا ورود به دانشگاه کار اصلی من مربوط با گروه معارف بود اما همیشه بخشی از دروس من مربوط به فقه و حقوق بوده است. ازسال های متوالی از سال ۵۶ تا هم اکنون در حوزه تدریس می کنم. از سال ۵۰ حوزه مشغول به تحصیل شدم و درس خارج فقه را نزد استادان ارجمندی مانند آیت الله تبریزی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله فاضل لنگرانی، آیت الله سبحانی گذراندم.

● **لطفا کمی از دوران تحصیل خود تعریف کنید.**

من تمام تحصیلاتم در حوزه بوده است. فضای حوزه با دانشگاه متفاوت است یکی از نکات قابل توجه این می باشد که در حوزه فضای معنوی خاصی حاکم است هم در بین شاگردان وهم در بین استاد با شاگردان. در آن سال ها افرادی که برای

کند خود مطلبی با اهمیت است، به هر حال زمینه کار نیز فراهم میگردد ولی هدف صرف شغل یا مدرک نباید باشد.

● حرف آخر...

توصیه من این است که دانشجویان در حالی که به اساتید احترام می گذارند، استفاده کامل را از اساتید خود و کلاس ببرند. حیث است که خانواده ها و دانشگاه و اساتید زمینه ای را فراهم کردند برای تحصیل ایشان ولی این فرصت را نابود کنند. بنابراین حتی اگر استاد نمی خواهد اما دانشجو طالب باشد و همین چیزی است که در حوزه وجود دارد. هنگامی که دانشجو از کلاس خارج می شود با زمان ورود خود از لحاظ دانش و معرفت تفاوت کند.

یکی از نکات کلیدی در تحصیل

علم و دانش آن هم مربوط به

الهیات داشتن خلوص نیت و

ایمان و اعتقاد قلبی به

خداوند و اتکا قدرت

لایزال اوست که نه

تنها در زمینه فوق

به کمک انسان

می آید بلکه

رمز موفقیت

در تمامی

مراحل

مختلف

زندگی

است.

علما هستند اگر این بستان برای خاندان نبوت باشد از قرآن و حدیث حرف بزند سعادت است که برای همه پیش نمی آید.

تا به این جا توفیق از سوی خداوند برآینها بوده و از این به بعد خود باید این توفیق را ادامه دهند، مانند اینکه اگر حلال یا حرامی را می خوانند خود ابتدا باید رعایت کنند.

● راه های رسیدن به این تفاوت چیست؟

به نظر من همان چیزی که امام علی (ع) می فرمایند بهترین الگو است «ادا الفرائض اجتناب المحارم» کوتاه ولی پرمعنا یعنی خط قرمزهایی وجود دارد که باید رعایت گردد. محارم مثل آفت هایی است در وجود آدمی که باید این آفت ها را زدود تا رشد جوانه های وجودی ممکن گردد و این برای عموم است ولی در دانشجوی فقه به دلیل ارتباطی که با فقه و قرآن دارد باید بیشتر و پررنگ تر باشد.

● هدف شما در زندگی چه بود؟

من از کودکی احساسم این بود که باید چیزی را بفهمم، باید چیزهایی را بدانم و به طور کلی از دانستن لذت می بردم مانند فهم هستی، علم، جهان اطراف و... این جمله که دانستن فی نفسه مطلوب است برای من صدق می کرد.

● آیا به هدف خود رسیدید؟

تا حدودی بله هر چند انسان نباید به آنچه رسیده به عنوان یک نقطه مطلوب و همیشگی نگاه کند همیشه برای دست یافتن مسیر باز است.

● به نظر شما هدف یک دانشجوی فقه چه چیزی باید باشد؟

می توانند اهداف متفاوت داشته باشند البته بسیاری از افراد گمان می کنند که آمدن به این رشته ها می تواند کار یا درآمد خوبی داشته باشد ولی این گونه نباید باشد و به این صورت نباید به آن نگاه کرد. دانشجوی فقه باید بداند همین که کلام ائمه، قرآن و حلال و حرام را می فهمد بزرگترین سعادت است. و این که همین که این مسائل را در بین خانواده و دوستان تبلیغ

دور دنیا در یک صفحه

اساس آن اگر شما با بالش به کسی حمله کنید به مانند این است که با چاقو به این شخص حمله کنید. در هر حال در کشور آلمان بالش به عنوان یک سلاح غیر فعال رده بندی شده است.

– حیوانات جفت نمی‌توانند در انتظار ظاهر شوند

بر اساس این قانون عجیب و به نوعی احمقانه حیوانات جفت نمی‌توانند با هم در شعاع کمتر از ۴۵۰ متری از مدارس، کلیساها و یا رستوران‌ها ظاهر شوند. واقعا باید پرسید افرادی که این قانون را به تصویب رساندند چگونه فکر می‌کنند و چطور می‌خواهند این قانون را اعمال کنند.

– روزهای مشخص برای ماشین‌ها در فلیپین

در کشور فلیپین قوانین خاصی وجود دارد که بر اساس آن خودروهایی که شماره پلاک آن‌ها به دو عدد ۱ و ۲ ختم می‌شود دوشنبه‌ها، ۳ و ۴ در سه شنبه، ۵ و ۶ در چهارشنبه، ۷ و ۸ در پنجشنبه و ۹ و ۰ نیز در روز جمعه اجازه تردد ندارند. واقعا مشخص نیست که پلیس فلیپین چگونه می‌تواند در این مورد به اعمال قانون بپردازد

– اجباری بودن واژه «استالین»

در بخش‌هایی از این روسیه استالین به عنوان رهبری بزرگ شناخته می‌شود. در بخش‌هایی از روسیه هنوز قانونی وجود دارد که در میان اسم پسران حتما بایستی واژه استالین به کار رود.

فرانسوی که نزدیک به کل اروپا را فتح کرد اما شانس با وی یار نبود و در نهایت در تبعید جان سپرد. وی همچنان هم در کشور فرانسه برای بسیاری از مردم به عنوان سنبلیله و نمادی از روزهای اوج اقتدار و عظمت امپراتوری این کشور شناخته می‌شود. در سالهای گذشته و به منظور احترام به او، قانونی تصویب شد که بر اساس آن هیچ خوکی را نمی‌توان ناپلئون صدا زد. البته بسیاری در فرانسه امروزه این قانون را یک جوک تلقی کرده و بسیاری نیز از وجود آن بی‌اطلاع هستند.

– بالش یک سلاح غیر فعال در کشور آلمان قانونی وجود دارد که بر

معصومه جلالیان - فقه و مبانی حقوق اسلامی

گاهی در سطح جهان با قوانینی برخورد می‌کنیم که بسیار عجیب و در عین حال خنده دار هستند. در این مطلب با بعضی از این قوانین عجیب و خنده دار آشنا می‌شوید.

– قانون تک فرزندی در چین:

این قانون شاید یکی از شناخته شده‌ترین قوانین عجیب در دنیا باشد. در کشور چین و از سال ۱۹۸۷ به این سو قانونی به تصویب رسید که زوج‌های جوانی که می‌خواهند بیش از یک فرزند داشته باشند بایستی مالیات سنگینی بپردازند.

– ممنوعیت بازی‌های رایانه‌ای در یونان

این قانون اولین بار در سپتامبر سال ۲۰۰۲ در کشور یونان به اجرا درآمد. قانون گزاران یونانی در توجیه این قانون اعلام کردند که این قانون فقط مخصوص گیم نت‌ها بوده و هدف آن مقابله با قمار و شرط بندی است.

در سایر کشورها مثل آمریکا نیز کمپین‌هایی برای ممنوعیت بعضی از بازی‌های رایانه‌ای که خشونت در آن‌ها شدید است به راه افتاده است.

– هیچ خوکی را نمی‌توان ناپلئون نام نهاد

ناپلئون بناپارت امپراتور مشهور



پادزهر

سحر کرباسی - فقه و مبانی حقوق اسلامی

گروه پادزهر که فعالیت خود را از وایبر و اینستاگرام با هدف پاسخ به شبهات اعتقادی موجود در فضای مجازی با روشی متفاوت زیر نظر انجمن علمی دانشگاه الزهرا (س) آغاز کرده است. در صورت تمایل به عضویت و همکاری با پادزهر یا ارسال شبهات و شایعات از طریق ایمیل گروه با ما در ارتباط باشید

padzehr@gmail.com

ما را در اینستاگرام دنبال کنید: padzehr_group

پاسخ:

من هم زنم.. آری از نژاد کوروش همان که پله های عمارتش را کوتاه میساخت مبدا زنان پارسی پاهایشان را فراخ بگذارند و چشمان اجنبی بر آنان بیفتند.. همانکه زنان دربارش پوششی داشتند ۳ برابر چادر امروز من.. من آریایی ام اما هویتم اسلامیست.. ایرانی بودن و مسلمان بودن جمع بین نقیضین نیست که محال باشد.. و اما آرمیس.. او الهه ی عفت در یونان باستان است.. بانوی سرزمین مرا چه به آرمیس؟؟

من هم زنم اما تو با چه منطقی تصور کردی حقوق انسان را ندارم.. حق ابراز عقیده ندارم؟! در کدام قانون سرزمینم نوشته شده من حق رای ندارم؟! کجای مکتب من تجاوز و کشتار جایز است؟! کدام گنجه و پستو؟! از اسلام اگر حرف میزنی حادثه ی کاخ شام و سربریده ی حسین و خطابه ی عقیله ی بنی هاشم را به یادت می آورم

یک زن بود و یک لشکر دشمن و یک اظهار رای به وسعت تاریخ! از ایران عزیزم اگر حرف میزنی ۴۳۶۳ بانوی شهیده در دفاع مقدس را به یادت می آورم که پا به پای مردان جنگیدند.. و سخن امام انقلابم که فرمود: «اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملتها گرفته شوند ملتها به شکست و انحطاط کشیده میشوند» پس کو اسارت؟ چه گنجه ای چه پستویی؟؟

من هم زنم.. پیشوای دینم علی (ع) مرا به گلی ظریف تشبیه کرد.. مگر نه اینکه خودت گفتی «من زنم یک انسان ظریف» پس کدام منطقی قبول میکند همانند مردان عهده دار وظایف سنگین و طاقت فرسا بشوی؟

جنسیت گل کجا و مراوده با سنگ کجا؟ مرا چه به دنیای قاتلان و جانیان که بخواهم برایشان حکم اعدام و قصاص و حد صادر کنم؟ روحیه ی مرا خالقم بهتر میشناسد یا فمنیستهای متعصب؟ دین من با خنده های بلند بلند تو و رقص های شادمانه ات برای خودت چکار دارد؟

کدام مکتب را لعنت میکنی؟؟

از دین من برایت چه گفته اند؟؟

از مقدسات من چه میدانی که با آن میجنگی؟؟

گرچه... تو را میشناسم... تو بانوی پارسی نیستی.. تو همان دشمن دیرینه ای که باز نقاب به چهره زدی

دین ساخته بشر تو زن را جنس دوم و حوا را مایه گناه آدم دانست، اما قرآن به ما آموخته زن و مرد مخلوقات یکسان پروردگار هستند و در سایه ی پناهگاه خانواده مایه آرامش یکدیگر پر مقدس تر و مستدل تر از این کلام را کجا می یابی که خدای من در قرآن فرمود.

متن شبهه:

من یک زنم.. زنی از تبار آرمیس.. از نسل کوروش..

من حق و حقوق یک انسان را میخواوم حق انتخاب حق ابراز عقیده.. من اسلامی که در آن زن تنها یک واحد هم نیست را نمیخواهم.. من با مرد برابر من حق رای دارم حق حضانت از فرزندم را دارم من میخواوم قضاوت کنم.. نگاههای تحقیر آمیز یک مرد را بخاطر آرایش مویم بخاطر رنگ شاد لباسم نمیخواهم..

لعنت به قضاوتهای ظاهریتان.

لعنت به مکتب اسلامیتان که در آن کشتن و تجاوز مجاز است.

لعنت به مکتب اسلامیتان که در آن رنگ سیاه ظاهر من متانت من است.

من زنم یک انسان ظریف.. جای من در گنجه و پستو نیست برای به گناه نیفتادن تو.

من زنم نه بدن و نه روحم را نمیفروشم.. به وقتش به آنکه دوستش دارم هدیه میدهم.

من جنس دوم نیستم.. من یک زن آزادم.. گاه بلند بلند میخندم گاه میرقصم.. من آنگونه که می اندیشم هستم به دور از مقدسات نا مقدس تو.

فاحشه میبارد اینجا در این دیار مقدس از ذهن مردان خدایپیشه

گفتگو



معصومه جلالیان - فقه و مبانی حقوق اسلامی

باییت و بهائیت ابتدا جزء مسلمانان بودند ولی بعداً ادعا کردند که با آمدن دین بهائیت و باییت دوران دین اسلام پایان یافته است. باب دروازه ارتباط با امام زمان و بهاء پیامبر نو است. بنیان‌گذار فرقه بابیه، سید علی شیرازی است. او جوان تاجری بود که در شیراز ادعا کرد که همه جهان در انتظارش هستند او ملقب به باب بود لقب باب از این جهت است که او اظهار می‌کرد مقصد اصلی اش آن است که مردم را برای ظهور کلی الهی بعد از خود آماده کند و باب یعنی دروازه ارتباط با امام زمان علیه السلام. از این جهت پیروانش به بابیه معروف شدند. توضیح این که: بهائیت انشعابی از بایگیری است و باییت انشعابی از شیخگیری است. در اوائل قرن نوزدهم شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی، مدعی رابطه مستقیم با امام زمان (عج) شدند و خود را واسطه میان مردم مسلمان و آن حضرت معرفی

کردند» از همین‌جا راه و رسم شیخی پدید آمد و جمعی از افراد ساده‌لوح و گروهی از فرصت‌طلب‌ها به آن گرایش پیدا کردند.

محمد باب بعد از ادعای باییت امام زمان (عج)، ادعا می‌کند که خود امام زمان است و کار را تا ادعای نبوت پیش می‌برد و بعد از محاکمه و زندان در تبریز اعدام می‌شود. بعد از اعدام سید باب عده‌ای

از فریب‌خوردگان و به تشویق و تحریک فرصت‌طلبان و توطئه استعمار، عده‌ای به میرزا یحیی نوری (صبح ازل) و عده‌ای دیگر به میرزا حسینعلی نوری (بهاء‌الله) گرویدند، بهاء خود را پیامبر نامید و از همین‌جا فرقه بهایی پدید آمد.

«بهائیت» بیشتر به عنوان یک فرقه سیاسی شناخته می‌شود تا یک مسلک دینی، چرا که شالوده و بنیان آن چنان سست و بی‌پایه است و نمی‌توان حتی آن را فرقه دینی نامید. یکی از آسیب‌های پیش رو در مباحث مهدویت، پیدایش مدعیان دروغین در هر زمانی بوده است و ادعای علی محمد باب زمینه پیدایش فرقه بهائیت را فراهم آورد. لذا گرچه پیدایش این فرقه با هدف تفرقه و ایجاد انشعاب در تشیع صورت پذیرفت، اما آنچه امروز در برنامه‌ها و تشکیلات بهائیت مشاهده می‌شود، یک سری اهداف سیاسی در جهت پیشبرد دولتهای غربی همچون آمریکا و رژیم اسرائیل می‌باشد.

بهائیت جزو هیچ یک از ادیان و فرقه‌های مذهبی نبوده و یک فرقه سیاسی انحرافی ایجاد شده توسط استعمارگران است که

مأمّن اصلی آنان نیز در حال حاضر در سرزمین‌های اشغالی است.

عقاید بهائیت:

به چند مورد از عقاید آنها اشاره می‌شود.

۱- در آموزه‌های بهائیت تنها زن پدر است که محرم شناخته شده و بهاییان حق ازدواج با او را ندارند و مابقی مانند دختران، خواهران، خاله‌ها و عمه‌ها برای ازدواج و رابطه جنسی حلال هستند!

۲- این فرقه می‌گوید، سید علی محمد باب امام زمان است که ظهور کرده و با ظهور او اسلام پایان گرفته و اینک دین جدید ظهور کرده و مردم باید همگی بهایی شوند،

۳- پنهان کردن دینشان را ضروری می‌دانند به اصطلاح قائل به تقیه هستند.

۴- روزه نوزده روز است قبل از عید شروع و به عید نوروز ختم می‌شود.

۵- نماز جماعت باطل است مگر در نماز میت.

۶- قبله آنها مرقد بهاء‌الله است در عکا. ۷- حج برای مردان واجب است و بر زنان واجب نیست، آن هم (حج) در خانه‌ای است که بهاء در آن اقامت داشته، یا در خانه‌ای که سید علی محمد باب در شیراز در آن سکنی داشته است به جا آورده می‌شود.

۸- چند تا اعیاد دارند:

- عید ولادت باب، اول محرم.

- عید ولایت بهاء، دوم محرم.

- عید نوروز

۹- نماز پنج تکبیر دارد و در دو وقت خوانده می‌شود یکی هنگام تولد و یکی هم هنگام مرگ. و مطهرات پنج تا است: آب، هوا، آتش، خاک، بیان. همه چیز نجس است مگر آنچه آیه (الله اطهر) بر آن خوانده

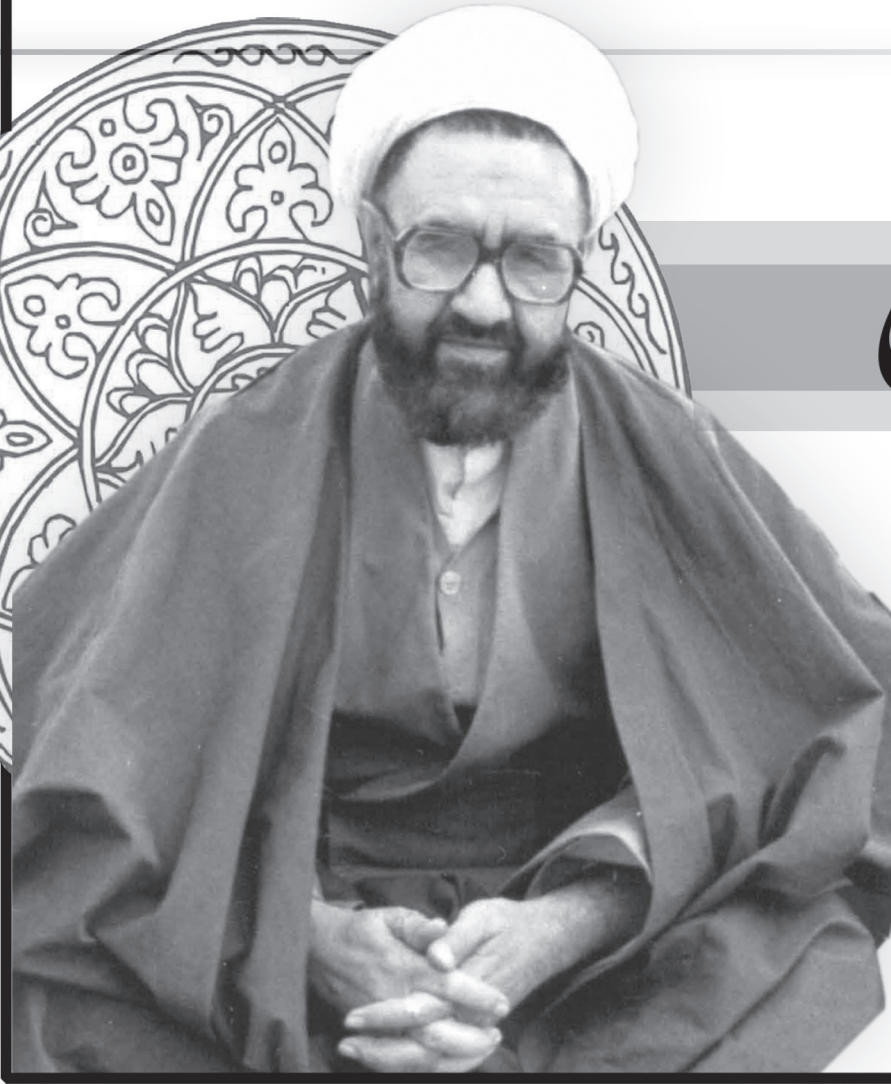
کتاب‌های بهائی‌ها عبارتند: ۱- الاتقان؛ ۲- اشراقات والبشارات والطرزات؛ ۳- مجموعه الواح مبارکه، که وصایایی بهاء به پسران خود می‌باشد؛ ۴- کتاب شیخ؛ ۵- الدرر البهیه؛ ۶- الحج البهیه؛ ۷- الفرائد؛ ۸- فصل الخطاب.

این کتابها را به بهاء نسبت داده‌اند ولی در حقیقت او ننوشته است بلکه پیروان بهاء اینها را نوشته و به او نسبت داده‌اند.



آموزگار

مهسا ذبیحی - فقه و مبانی حقوق اسلام



و از جمله با فدائیان اسلام در ارتباط بوده است. در سال ۱۳۳۱ در حالی که از مدرسین معروف و ازامیدهای آینده حوزه به شمار می رود به تهران مهاجرت می کند.

در تهران به تدریس در مدرسه مروی و تألیف و سخنرانیهای تحقیقی می پردازد. در سال ۱۳۳۴ اولین جلسه تفسیر انجمن اسلامی دانشجویان توسط استاد مطهری تشکیل می گردد. در همان سال تدریس خود در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را آغاز می کند. در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ که انجمن اسلامی پزشکان تشکیل می شود، استاد مطهری از سخنرانان اصلی این انجمن است و در طول سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ سخنران منحصر به فرد این انجمن می باشد که بحثهای مهمی از ایشان به یادگار مانده است.

کنار امام بوده است به طوری که می توان سازماندهی قیام پانزده خرداد در

در دوره اقامت پانزده ساله خود در قم از محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (در فقه و اصول) و حضرت امام خمینی (به مدت ۱۲ سال در فلسفه ملاصدرا و عرفان و اخلاق و اصول) و مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبائی (در فلسفه: الهیات شفای بوعلی و دروس دیگر) بهره می گیرد. قبل از هجرت آیت الله العظمی بروجردی به قم نیز استاد شهید گاهی به بروجرد می رفته و از محضر ایشان استفاده می کرده است. مولف شهید مدتی نیز از محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی در اخلاق و عرفان بهره های معنوی فراوان برده است. از اساتید دیگر استاد مطهری می توان از مرحوم آیت الله سید محمد حجت (در اصول) و مرحوم آیت الله سید محمد محقق داماد (در فقه) نام برد. وی در مدت اقامت خود در قم علاوه بر تحصیل علم، در امور اجتماعی و سیاسی نیز مشارکت داشته

استاد شهید آیت الله مطهری در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان واقع در ۷۵ کیلومتری شهر مقدس مشهد در یک خانواده اصیل روحانی چشم به جهان می گشاید. پس از طی دوران طفولیت به مکتبخانه رفته و به فراگیری دروس ابتدایی می پردازد.

در سن دوازده سالگی به حوزه علمیه مشهد عزیمت نموده و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی اشتغال می ورزد. در سال ۱۳۱۶ علیرغم مبارزه شدید رضاخان با روحانیت و علیرغم مخالفت دوستان و نزدیکان، برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم می شود در حالی که به تازگی موسس گرانقدر آن آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی دیده از جهان فرو بسته و ریاست حوزه را سه تن از مدرسان بزرگ آن آیات عظام سید محمد حجت، سید صدرالدین صدر و سید محمد تقی خوانساری به عهد گرفته اند.

تحت نظر او بود مدتی در قم نزد استاد تحصیل کرده بود به ایشان پیغام می فرستد که حق استادی را به جا آوردم و بدین ترتیب استاد شهید از مهلکه جان سالم بدر می برد. در این زمان وی به تألیف کتاب در موضوعات مورد نیاز جامعه و ایراد سخنانی در دانشگاهها، انجمن اسلامی کردن محتوای نهضت اسلامی پزشکان، مسجد هدایت، مسجد جامع نارمک و غیره ادامه می دهد. به طور کلی استاد شهید که به یک نهضت اسلامی معتقد بود نه به هر نهضتی، برای اسلامی کردن محتوای نهضت تلاشهای ایدئولوژیک بسیاری نمود و با اقدام به تأسیس حسینیه ارشاد نمود و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد. در سال ۱۳۴۶ به کمک چند تن از دوستان اقدام به تأسیس حسینیه ارشاد نمود به طوری که می توان او را بنیانگذار آن موسسه دانست. ولی پس از مدتی به علت تکروری و کارهای خودسرانه و بدون مشورت یکی از اعضای هیئت مدیره و ممانعت او از اجرای طرحهای استاد و از جمله ایجاد یک شورای روحانی که کارهای علمی و تبلیغی حسینیه زیر نظر آن شورا باشد سرانجام در سال ۱۳۴۹ علیرغم زحمات زیادی که برای آن موسسه کشیده بود و علیرغم امید زیادی که به آینده آن بسته بود در حالی که در آن چند سال خون دل زیادی خورده بود از عضویت



همراه سایر روحانیون از زندان آزاد می شود. پس از تشکیل هیئتهای موتلفه اسلامی، استاد مطهری از سوی امام خمینی همراه چند تن دیگر از شخصیتهای روحانی عهده دار رهبری این هیئتها می گردد. پس از ترور حسنعلی منصور نخست وزیر وقت توسط شهید محمد بخارایی کادر رهبری هیئتهای موتلفه شناسایی و دستگیر می شود ولی از آنجا که قاضی یی که پرونده این گروه

تهران و هماهنگی آن با رهبری امام را مرهون تلاشهای او و یارانش دانست. در ساعت ۱ بعد از نیمه شب روز چهارشنبه پانزده خرداد ۱۳۴۲ به دنبال یک سخنانی مهیج علیه شخص شاه به وسیله پلیس دستگیر شده و به زندان موقت شهربانی منتقل می شود و به همراه تعدادی از روحانیون تهران زندانی می گردد. پس از ۴۳ روز به دنبال مهاجرت علمای شهرستانها به تهران و فشار مردم، به

هیئت مدیره آن موسسه استعفا داد و آن را ترک گفت.

در سال ۱۳۴۸ به خاطر صدور اعلامیه ای با امضای ایشان و حضرت علامه طباطبایی و آیت الله حاج سید ابوالفضل مجتهد زنجانی مبنی بر جمع اعانه برای کمک به آوارگان فلسطینی و اعلام آن طی یک سخنرانی در حسینیه ارشاد دستگیر شد و مدت کوتاهی در زندان تک سلولی به سربرد. از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ برنامه های تبلیغی مسجدالجواد را زیر نظر داشت و غالباً خود سخنران اصلی بود تا اینکه آن مسجد و به دنبال آن حسینیه ارشاد تعطیل گردید و بار دیگر استاد مطهری دستگیر و مدتی در بازداشت قرار گرفت. پس از آن استاد شهید سخنرانهای خود را در مسجد جاوید و مسجد ارک و غیره ایراد می کرد. بعد از مدتی مسجد جاوید نیز تعطیل گردید. در حدود سال ۱۳۵۳ ممنوع المنبر گردید و این ممنوعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. اما مهمترین

خدمات استاد مطهری در طول حیات پر برکتش ارائه ایدئولوژی اصیل اسلامی از طریق درس و سخنرانی و تألیف کتاب است. این امر خصوصاً در سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ به خاطر افزایش تبلیغات گروههای چپ و پدید آمدن گروههای مسلمان چپ زده و ظهور پدیده التقاط به اوج خود می رسد. گذشته از حضرت امام، استاد مطهری اولین شخصیتی است که به خطر سران سازمان موسوم به «مجاهدین خلق ایران» پی می برد و دیگران را از همکاری با این سازمان باز می دارد و حتی تغییر ایدئولوژی آنها را پیش بینی می نماید. در این سالها استاد شهید به توصیه حضرت امام مبنی بر تدریس در حوزه علمی قم هفته ای دو روز به قم عزیمت نموده و درسهای مهمی در آن حوزه القا می نماید و همزمان در تهران نیز درسهایی در منزل و غیره تدریس می کند. در سال ۱۳۵۵ به دنبال یک درگیری با یک استاد کمونیست دانشکده الهیات! زودتر از موعد مقرر بازنشسته می شود. همچنین در این سالها استاد شهید با همکاری تنی چند از شخصیتهای روحانی، «جامعه روحانیت مبارز تهران» را بنیان می گذارد بدان امید که روحانیت شهرستانها نیز به تدریج چنین سازمانی پیدا کند.

گرچه ارتباط استاد مطهری با امام خمینی پس از تبعید ایشان از ایران به وسیله نامه و غیره استمرار داشته است ولی در سال ۱۳۵۵ موفق گردید مسافرتی به نجف اشرف نموده و ضمن دیدار با امام خمینی درباره مسائل

مهم نهضت و حوزه های علمیه با ایشان مشورت نماید. پس از شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی و آغاز دوره جدید نهضت اسلامی، استاد مطهری به طور تمام وقت در خدمت نهضت قرار می گیرد و در تمام مراحل آن نقشی اساسی ایفا می نماید. در دوران اقامت حضرت امام در پاریس، سفری به آن دیار نموده و در مورد مسائل مهم انقلاب با ایشان گفتگو می کند و در همین سفر امام خمینی ایشان را مسؤول تشکیل شورای انقلاب اسلامی می نماید. هنگام بازگشت امام خمینی به ایران مسؤولیت کمیته استقبال از امام را شخصاً به عهده می گیرد و تا پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن همواره در کنار رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی و مشاوری دلسوز و مورد اعتماد برای ایشان بود تا اینکه در ساعت بیست و دو و بیست دقیقه سه شنبه یازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ در تاریکی شب در حالی که از یکی از جلسات فکری سیاسی بیرون آمده بود یا گلوله گروه نادان و جنایتکار فرقان که به مغزش اصابت نمود به شهادت می رسد و امام و امت اسلام در حالی که امیدها به آن بزرگمرد بسته بودند در مآقی عظیم فرو می روند. سلام و درود خدا بر روح پاک و مطهرش.



حقوق عبايمان



حوربه نادمی - فقه و مبانی حقوق اسلامی

آیات احکام اعتکاف

«أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ، الرَّقْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ، عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ، تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»؛ سورة بقره، آیه ۱۸۷.

«آمیزش جنسی در شب روزه‌داری بر شما حلال شده است. زنان لباس شما و شما لباس آنها باشید. خداوند می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید، پس بازگشت بر شما و شما را بخشید. اکنون با آنان آمیزش کنید و آنچه را خدا بر شما مقرر داشته است طلب نمایید.

بخورید و بیاشامید تا رشته سپیده صبح از رشته سیاه برای شما آشکار گردد. سپس روزه را تا شب تکمیل کنید و در حالی که در مساجد مشغول اعتکاف هستید، با زنان آمیزش نکنید. اینها مرزهای الهی است به آنان نزدیک نشوید خداوند این چنین آیات خود را برای مردم روشن می‌سازد، باشد که پرهیزگار گردند».

احکام فقهی اعتکاف:

حکم اول: بر معتکف جماع و بوسیدن و مقدمات جماع، حرام است. «معتکف کسی است که مدت سه شبانه‌روز در مسجد مشغول عبادت می‌شود و روزه‌ها را روزه و شبها را عبادت می‌کند».

حکم دوم: نظر بر اینکه تحریم مذکور، به اعتکاف مربوط شده است و اعتکاف هم در شب و هم در روز می‌باشد، لذا حرمت مذکور شامل شب و روز هر دو می‌شود.

حکم سوم: اعتکاف مشروط به آنست که در مسجد باشد و نظر بر اینکه «المساجد»

جمع معرف به الف و لام می‌باشد و همه مساجد را شامل می‌شود. لذا در هر مسجدی اعتکاف جایز است و اختصاص به مسجدی خاص ندارد.

بعضی از علمای شیعه و عدّه‌ای از علمای اهل سنت همین حکم را گفته‌اند. البته بعضی از علمای شیعه معتقدند که منظور «مساجد» جامع است و آن را به مسجد اعظم تفسیر نموده‌اند.

اکثر علمای شیعه گفته‌اند، منظور مساجدی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و یا وصی او در آنها، نماز جمعه گزارده باشند. برخی گفته‌اند مساجدی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و یا وصی او در آنها نماز جمعه و یا نماز جماعت را برگزار کرده باشند و این قول اخیر مطابق احتیاط صحیح می‌باشد، چه آنکه عمل بر طبق این قول، باعث می‌شود که مگه و مدینه و مسجد جامع کوفه و بصره، تفسیر شده باشند.

جهت دوم: از نظر علمای شیعه یکی از شرایط اعتکاف، روزه‌داری است و با باطل شدن روزه، به وسیله جماع، یکی از شرایط اعتکافش، باطل می‌گردد و سرانجام خود اعتکاف نیز به بطلان کشانده خواهد شد. دو مسئله فقهی دیگر: در اینجا دو مسئله قابل توجه می‌باشد:

مسئله اول: شافعی روزه را در اعتکاف شرط نمی‌داند ولی ابو حنیفه مثل علمای شیعه، شرط می‌داند.

مسئله دوم: شافعی برای اعتکاف حد و اندازه‌ای معین نکرده است و از نظر او با يك ساعت توقّف در مسجد، اعتکاف محقق می‌شود ولی ابو حنیفه اندازه آن را حداقل يك روز معرفی کرده است. و مالك گفته است اعتکاف در کمتر از ده روز، جایز نمی‌باشد. علمای شیعه گفته‌اند اعتکاف کمتر از سه روز امکان ندارد، و این به دلیل روایات صحیح‌های که از پیشوایان معصوم (علیهم السلام) نقل شده است.

«تَلَكْ حُدُودُ اللَّهِ»؛ یعنی «احکام روزه و اعتکاف و غیر ذلك، حدود و مرزهای الهی است و به آنها نزدیک نشوید، تعبیر به نزدیک نشدن بهتر و رساتر است، از تعبیر به «انجام ندهید»؛ زیرا منع نمودن از نزدیک شدن به مرزی که بین حق و فاصله است، تا به باطل نزدیک نشود، رساتر از منع نهی از انجام دادن آن می‌باشد از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است که فرمود: «هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خدا محرمات دینی او است و هر کسی که گرداگرد قرق نزدیک شود، ممکن است در آن واقع گردد.

كذلك؛ «یعنی: همان‌طوری که احکام مذکور را بیان فرمود، نشانه‌های خود را برای عموم مردم بیان می‌نماید «لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» شاید از مخالفت اوامر و نواهی خداوند بپرهیزند»



بنابراین
آیه مبارکه به خیر
واحد (اگر اخبار متواتر در کار
نباشد) تخصیص خورده است.
حکم چهارم: به دو جهت جماع و مقدمات آن،
اعتکاف را به ابطال می‌کشاند.

جهت اول: «نهی» باطل‌کننده عبادت است، چنانچه در علم اصول به اثبات رسیده است: «مثلاً اگر بگوید: «در مکان غضبی نماز نخوان»، از نهی مذکور استفاده می‌شود که نماز در مکان غضبی باطل است.

منبع: کنز العرفان فی فقه القرآن - ترجمه؛ ج ۱، ص: ۲۴۰



بدن نیز با ما می‌خیم



جریان فکر هم خود به خود آرام شده و در نتیجه تمرکز فکر افزایش می‌یابد. ثابت ماندن چشم باعث بهبود ضعف و نواقصی مانند نزدیک بینی می‌شود و به لحاظ روانی این حالت باعث افزایش مقاومت عصبی فرد شده و بی‌خوابی و افکار ناآرام را از انسان دور می‌کند.

ایستادن در حالت نماز باعث تقویت حالت تعادلی بدن شده و قسمت مرکزی مخچه که محل کنترل اعمال و حرکات ارادی است را تقویت می‌کند و این عمل باعث می‌شود فرد با صرف کمترین نیرو و انرژی به انجام صحیح حرکات بعدی بپردازد. نماز قسمت فوقانی بدن را

الکتریسیته‌ها کم می‌شود و سپس عمل تخلیه از طریق تماس پیشانی با زمین صورت می‌گیرد، البته در زمان سجده به دلیل آنکه دیگر نقاط بدن هم با زمین ارتباط می‌یابند، عمل تخلیه آسان‌تر انجام می‌شود و انسان از بیماری‌های روحی، جسمی و حتی سرطان در امان می‌ماند.

شیوه درست تخلیه الکتریسیته‌ی بدن به همان شیوه‌ای است که انسان در زمان نماز گزاردن دارد و به سوی مکه نماز می‌خواند، چرا که این حالت بهترین حالت است و شخص احساس آرامش و راحتی بیشتری خواهد داشت. الا بذکر الله تطمئن القلوب (سوره رعد/آیه ۲۸)

۲) تاثیرات نماز بر جسم انسان

برخی از کارشناسان معتقدند نماز خواندن تنها غذای روح انسان نیست، بلکه جسم انسان‌ها را نیز تقویت می‌کند و آنها را در مبارزه با مشکلات روزمره یاری می‌دهد. وقتی چشمها در حالت نماز ثابت می‌ماند

در این بخش به معرفی فواید نماز بر روی بدن انسان می‌پردازیم هرچند که این‌ها فقط دلایل پزشکی هستند و در حقیقت انسان معبود خود را فقط برای این که شایسته پرستش است می‌ستاید.

اثرات پزشکی نماز- تاثیرات نماز بر روح و جسم انسان

۱) یافته‌های جدید درباره سجده کردن

هر اندازه که محور طولی انسان کاهش یابد، میزان در معرض اشعه‌های الکترومغناطیسی قرار گرفتن او نیز کم می‌شود.

در زمان سجده کردن هم محور طولی انسان و هم به دنبال آن میزان تاثیرگذاری

پرورش داده و ستون مهره ها را تقویت کرده و آن را در حالت مستقیم نگاه می دارد. تقویت احشاء و ماهیچه های شکم، حفظ سلامت دستگاه گوارش و رفع بیوست مزمن سوء هاضمه و بی اشتها بی از دیگر خواص نماز خواندن و رکوع در نماز است. کارشناسان می گویند در حالت رکوع ماهیچه های اطراف ستون مهره ها منبسط می شود که در متعادل و آرام کردن سمپاتیک موثر است. مدت زمان خواندن ذکر رکوع نیز باعث تقویت عضلات صورت و گردن ساق پا و رانها می شود و به این ترتیب به جریان خون در قسمتهای مختلف بدن سرعت می بخشد.

سجده همچنین باعث افزایش جریان خون در سر شده که این امر با تغذیه این غدد باعث حفظ شادابی، زیبایی و طراوت پوست می شود. حالات سجده به واسطه باز شدن مهره ها از یکدیگر باعث کشیده شدن اعصابی که قسمتهای مختلف بدن را به مغز وصل می کند، شده و این اعصاب را در یک حالت تعادلی قرار می دهد که این امر برای سلامت انسان بسیار حائز اهمیت است سجده باعث آسودگی و آرامش در فرد شده و عصبانیت را تسکین می دهد.

یک بررسی علمی:

حرکات نماز بر جریان خون در مغز، تاثیرات مثبت فراوانی داشته باشد. در هنگام سجده با متمایل شدن سر به سمت پایین، جریان خون به سمت مغز افزایش می یابد همچنین خم شدن بدن بر روی خود هنگام سجده، به جهت گیری خون از اطراف بدن به سمت اعضای درونی و مغز کمک می کند. هارولد بور از دانشگاه ییل برای اولین بار با انجام یک آزمایش ساده به وجود میدان مغناطیسی در اطراف موجودات زنده پی برد. همان گونه که می دانید در بدن ما میلیون ها عصب وجود دارد که کار انتقال پیام در بدن ما به وسیله ی تحریک الکتریکی این عصب ها صورت می گیرد.

اگر انسان در هر نقطه از زمین رو به قبله بایستد میدان مغناطیسی بدنش بر میدان

زمین منطبق می گردد و در مدتی که در نماز است، میدان بدنش منظم می شود. یکی از نکات جالبی که پروفیسور بور به آن دست یافته بود، این بود که در بدن تمام دانشجویان مؤنث ماهی یک بار تغییر ولتاژ شدید ایجاد می شود و میدان بدن به منظم ترین حالت خود می رسد و به همین دلیل است که زنان در این مدت نیاز ندارند که نماز بخوانند.

اخیراً هم کشف شده است که علت اینکه قلب زنان منظم تر و قوی تر از مردان می زند دلیل آن همین تغییر ولتاژ است.





تأثیر روانشناسی نماز

اضطراب“ بیماری شایع قرن اتم و کهکشان“ است . پیشرفت سریع و پیچیده‌ی تمدن و در عین حال بی توجهی به ارزش‌های مذهبی و خانوادگی هر روز بیش از پیش برای افراد و اجتماع اضطراب‌های جدید به وجود می‌آورد. از نظر روانپزشکان، اضطراب با یک احساس منتشر و مبهم دلواپسی که اغلب ناخوشایند و بدون دلیل است مشخص می‌شود که معمولاً با یک یا چند مشکل جسمی همراه می‌گردد. از جمله شخص ممکن است علامت‌های جسمی چون احساس طپش قلب، تنگی نفس و درد قفسه سینه، خالی شدن سردل، تعریق، سردرد، تکرر ادرار، اسهال، گزگز دست و پاها، لرزش و ... را نیز به همراه داشته باشد. اضطراب، گاهی به شکل طبیعی در اشخاص سالم بروز می‌کند و گاهی به صورت بیمارگونه و دائمی در می‌آید که نیاز به درمان و مراقبت پزشکی دارد. با اینکه دلایل علمی مختلفی از دیدگاه‌های مختل به عنوان دلایل بروز اضطراب و تشدید آن ارائه شده است اما همچنان دور شدن از ایمان مذهبی به عنوان یک عامل عمیق در بروز اضطراب نقش غیر قابل انکاری دارد و به این ترتیب نقش پیشگیری‌کننده و حتی درمانگر مذهب در مورد اضطراب قابل بررسی است

آرامش حاکم بر روح و روان و در نتیجه‌ی آن جسم اشخاص مذهبی، در مقایسه با آشفتگی روانی و جسمی و اضطراب لامذهب‌ها از دیر باز مورد توجه پزشکان بوده است

به این ترتیب در بُعد پیشگیری از اضطراب و برای آرامش دائمی جسم و روان “نماز“ نقش خارق العاده‌ای را ایفا می‌کند. از طرفی در بعد درمان بیماران مبتلا به اضطراب، امروز علاوه بر درمان‌های دارویی، از روش‌های چون آموزش انبساط آرامش عضلانی و همچنین تلقین به وسیله هیپنوتیزم نیز استفاده می‌شود.

در مورد اضطراب، بد نیست به این نکته اشاره کنیم که شخص نمازگزار با ایمان به قدرت لا یتناهی پروردگاری که او را عبادت می‌کند و در برابرش نماز به پا می‌دارد خود را در مقابل هر عاملی که قصد به خطر انداختن و ترساندن (و در نتیجه مضطرب ساختن) او را داشته باشد ایمن می‌یابد و ضمن تکرار باور اعتقادی خود طی نمازهایی پنجگانه‌ی یومیه، این ایمنی همه جانبه را، به روان خود تلقین می‌کند و سرانجام آرامش عمیق را در وجود خود ملکه می‌سازد.

در راستای این موضوع تحقیقات علمی در برخی کشورهای مسلمان نشان می‌دهد که بیماران مضطربی که در کنار درمان‌های رایج ضداضطراب، به خواندن نماز و قرآن و حتی احادیث نبوی تحریک شده‌اند از درجه‌ی درمان به مراتب بالاتری نسبت به سایرین برخوردار بوده‌اند.



کدام غسل‌ها از وضو کفایت می‌کند؟

امام خمینی (ره) : از میان غسل‌های واجب تنها غسل جنابت است که کفایت از وضو می‌کند و کسی که جنب بوده و غسل جنابت انجام می‌دهد نه تنها نیاز به وضو گرفتن ندارد بلکه تا زمانی که ناقض وضو از او سر نزنده است وضو گرفتن بر وی حرام است. دیگر غسل‌های واجب مانند مس میت، حیض، نفاس و استحاضه کفایت از وضو نمی‌کنند. درباره غسل‌های مستحبی وارد شده مانند غسل جمعه، غسل زیارت، غسل روز عرفه و غسل احرام، نیز همین نظر را دارند. می‌فرمایند هیچ یک از اقسام آن از وضو کفایت نمی‌کند لذا انسان نمی‌تواند با غسل مستحبی، کاری را که مانند نماز نیاز به وضو دارد، انجام دهد.

بنده طاهر

حدیث علیمی - فقه و مبانی حقوق اسلامی

آیت الله خامنه‌ای : غیر از غسل جنابت، برای نماز خواندن با اغسال دیگر وضو لازم است.

آیت‌الله سیستانی : غسل واجب و مستحب، به استثنای غسل استحاضه متوسطه از وضو کفایت می‌کند.

آیت الله صافی گلپایگانی : غیر از غسل جنابت، برای نماز خواندن با اغسال دیگر وضو لازم است.

آیت‌الله بهجت : تنها با غسل جنابت می‌توان نماز خواند ولی نمی‌توان با غسل جنابت احتیاطی نماز خواند. با غسل‌های دیگر باید وضو هم گرفت.

آیت الله مکارم شیرازی : با همه غسل‌های واجب و مستحب، می‌توان نماز خواند و گرفتن وضو واجب نیست. اما احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت، وضو هم بگیرد.

آیت‌الله تبریزی : با ذکر نکته‌ای می‌فرمایند : غسل‌های مستحبی که استحباب‌اش ثابت است، از وضو کفایت می‌کند.

هر غسلی که مشروعیت و استحباب آن به طریق معتبر ثابت است، می‌توان با آن غسل، نماز و افعال که طهارت در آن شرط است به‌جا آورد.

آیت‌الله فاضل : با همه غسل‌های واجب- غیر از غسل استحاضه متوسطه- می‌توان نماز خواند اگر چه احتیاط مستحب آن است که [در غیر غسل جنابت] وضو هم بگیرد **آیت الله خوبی (ره) :** کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، بلکه با غسل‌های دیگر واجب غیر از غسل استحاضه متوسطه و با غسل‌های مستحب نیز می‌تواند بدون وضو نماز بخواند.

آیت الله تبریزی : با همه غسل‌های واجب و مستحب- غیر از غسل استحاضه متوسطه- می‌توان نماز خواند اگر چه احتیاط مستحب آن است که [در غیر غسل جنابت] وضو هم بگیرد.

آیت الله نوری همدانی : کسی که غسل جنابت کرده نباید برای نماز وضو بگیرد بلکه با غسل‌های دیگر واجب غیر از غسل استحاضه متوسطه و هم چنین با غسل‌های مستحب نیز می‌تواند بدون وضو نماز بخواند.

آیت‌الله وحیدخراسانی : با همه غسل‌های واجب و مستحب- غیر از غسل استحاضه متوسطه- می‌توان نماز خواند اگر چه احتیاط مستحب آن است که [در غیر غسل جنابت] وضو هم بگیرد غسل‌هایی که استحباب آن‌ها با دلیل معتبر ثابت شده کفایت از وضو می‌نماید مانند: غسل جمعه ، غسل یوم‌الترویج (هشتم ذی‌حجه) ، روز عرفه ، عید قربان ، شب و روز عید فطر ، غسل احرام و داخل شدن به حرم خدا و شهر مکه و خانه کعبه غسل زیارت‌خانه کعبه ، داخل شدن به مدینه منوره و حرم پیامبر ، غسل زیارت حضرت سیدالشهداء از قریب، برای تفصیل موارد آن به توضیح المسائل مسئله ۶۵۰ رجوع فرمایید.



منابع آزمون سردفتری اسناد رسمی:

مطالعه کل قانون بهترین شکل است و منابع زیر به طور پیشنهادی است.

حقوق مدنی؛

قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی - دکتر ناصر کاتوزیان.

قانون مسئولیت مدنی.

قانون روابط موجر و مستاجر ۱۳۵۶.

قانون روابط موجر و مستاجر ۱۳۷۶.

اعمال حقوقی - دکتر ناصر کاتوزیان. (تکمیلی)

وقایع حقوقی - دکتر ناصر کاتوزیان. (تکمیلی)

درس هایی از عقود معین (۱ و ۲) - دکتر ناصر کاتوزیان. (تکمیلی)

شفعه، وصیت ارث - دکتر ناصر کاتوزیان. (تکمیلی)

حقوق جزا؛

قانون مجازات اسلامی. (با آخرین تغییرات در مواد)

محشای قانون مجازات اسلامی - دکتر ایرج گلدوزیان.

بایسته های حقوق جزای عمومی (۱، ۲ و ۳) - دکتر ایرج گلدوزیان. (تکمیلی)

حقوق جزای اختصاصی - دکتر ایرج گلدوزیان. (تکمیلی)

حقوق تجارت؛

قانون تجارت ۱۳۱۱.

لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷.

قانون تصفیه امور ورشکسته.

قانون صدور چک با آخرین اصلاحات.

حقوق تجارت (دوره ۵ جلدی) - دکتر ربیعا اسکینی. (تکمیلی)

حقوق ثبت و مقررات ثبتی؛

حقوق ثبت - غلامرضا شهری.

مجموعهء بخشنامه ها و محشای ثبتی - دکتر غلامرضا حجتی اشرفی.

قانون ثبت اسناد و املاک و آیین نامه های مربوطه.

قانون دفاتر اسناد رسمی و آیین نامه اجرایی آن.

آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی.

ادبیات، عربی و معارف اسلامی؛

مطالعه در حد دروس تخصصی علوم انسانی.

۱- اشخاص زیر می توانند در آزمون

سردفتری اسناد رسمی شرکت نمایند:

- اشخاصی که دارای کارشناسی حقوق

قضائی و فقه و مبانی حقوق اسلامی باشند.

- کسانی که دارای دو سال سابقه خدمت

قضائی یا وکالت پایه یک دادگستری باشند.

- سایر کارشناسی ها به شرط داشتن سه

سال سابقه دفتریاری.

- اشخاصی که از مراجع مسلم، دارای

تصدیق اجتهاد طبق آیین نامه ای که به

تصویب وزارت دادگستری می رسد، باشند.

- دفتریارانی که دارای گواهی قبولی امتحان

مخصوص سردفتری و دفتریاری موضوع شق

سوم ماده ۱۰ قانون دفاتر اسناد رسمی

مصوب ۱۳۱۶ باشند به شرط داشتن پنج سال

سابقه دفتریاری.

- دفتریارانی که دارای دیپلم کامل متوسطه

باشند به شرط داشتن هفت سال سابقه

دفتریاری اول.

۱- دفتریاران اول که در تاریخ تصویب این

قانون شاغل بوده و ۱۵ سال سابقه دفتریاری

اول اعم از تناوب و یا مستمر داشته باشند.

۲- سن سردفتران اسناد رسمی در بدو

اشتغال نباید از ۲۴ سال کمتر و از ۵۰ سال

بیشتر باشد.

۳- اداره کل امور اسناد و سردفتران سازمان

ثبت اسناد و املاک کشور مرجع تشخیص و

احراز شرایط مذکور می باشد.

۴- در مورد ضرایب، لازم به ذکر است

که تعیین ضرایب به عهده سازمان ثبت

اسناد و املاک است ولی دروس حقوق ثبت،

آیین نامه و مقررات ثبتی، ادبیات فارسی و

عربی تعیین کننده می باشد.

۵- برگزاری آزمون سردفتری اسناد رسمی

منوط به نیاز سازمان ثبت و واحدهای تابعه

می باشد و تاریخ برگزاری آزمون معمولاً

زمستان می باشد.

۶- آزمون بصورت تستی و چهارگزینه ای

می باشد و پذیرفته شدگان آزمون پس از

طی مراحل گزینش، کارآموزی و اختبار به

موجب ابلاغ رییس سازمان ثبت اسناد و

املاک کشور به مقام سردفتری اسناد رسمی

منصوب می گردند.